

## پیاده سازی جلسه سیزدهم

## بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در سه هفته قبل بود که عرض کردیم که یکی از مهم ترین مباحث پرداختن به تفسیر به رای است؛ از یک سو ما منع شدیم از تفسیر به رای. روایات زیادی که قطعاً نیاز به سند ندارد و ما را منع کرده از این جریان. از آن طرف هم ما مطلوب خداوند را داریم که در قرآن تدبر کنیم افلا یتدبرون القرآن... به هر حال این کتاب برای استفاده ما آمده است وقتی آدم تدبر کرد این کار نماد و نمود دارد ممکن است به نظریه پردازی برسد و لااگر غیر از این باشد قرآن طراوت و تازگی خود را از دست می دهد. ما یقین داریم وقتی یک مفسری روی کرسی تفسیر می نشیند، از قرآن صحبت می کند و یک نوآوری منضبطی می آورد به هر حال آیا امام صادق راضی اند رسول خدا راضی اند؟ و... این جاست که یک مقدار مرز به هم میریزد... خیلی از افراد به نام نوآوری و شادکردن قرآن و حفظ شادابی می غلطند در ورطه تفسیر به رای. و برخی از ترس تفسیر به رای خود را از این نعمت محروم می کنند. این است که مفسر و کسی که می خواهد از قرآن بهره ببرد؛ باید یک جوری این دو نهاد را از هم جدا کند. نهاد تفسیر به رای و نهاد تدبر در قرآن... به همین دلیل در جلسات قبل تا به اینجا رساندیم که می توانیم به چهار نشانه اشاره کنیم. نشانه اول خلاف ظاهر است. یک نظریه پردازی یا نوآوری مستلزم این نیست که انسان از ظاهر دلیل خارج شود. خیلی از بزرگان ما با یک حفظ ظاهر مطلب جدیدی از یک نصی بیرون می کشند، ولی اگر کسی از نص رفت بیرون - خلاف ظاهر - خود این بحثی است که انسان را به خلاف ظاهر می کشاند. و این آسیب بزرگی است در طول تاریخ و همه هم مبتلا بودند نه شیعه می تواند سنی را محکوم کند نه عارف نه فیلسوف می توانند فقیه را نه فقیه این دو را یا متکلم... هیچ گروهی مبرا نبودند... عوامل خلاف ظاهر هم ممکن است یک تعصبی باشد طرف یک معتقدی دارد، و می خواهد آن را به قرآن تحمیل کند. برخی وقتها انگیزه مادی داشته ما در بین غلات زیاد داشتیم، گاهی انگیزه های تنبلی مثلاً وقتی کسی ادعا میکرد تمام تولی قرآن اشاره است به یک سری افراد و برعکس... تمام محرمات قرآن اشاره است به فلان گروه و... از این حرفها... و بعد اشاره می کرد که فقط تولی و تبری... ذیل آیه و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی... گفتند این اصر و اغلال ادعا کردند که اینها تمام چیزی است که در امتهای پیشین بوده و محرماتی که در امتهای پیشین بوده است. ادعا کردند که پیامبر آمده که همه این واجبات را بردارد و یک امت رها را بیاورد. امت اهل حب و اهل بغض... در گذشته این ها در قالب غلات بوده. به هر حال وقتی طرف ادعا می کند که اصل حضور است و یکی ممکن است کلیسا برود یکی مسجد و یکی کنشت و یا مظاهر عبادی مهم نیست مهم اصل و باطن آن است این ها همه مردود و خلاف ظاهر است. این ها این همه واجبات و محرمات را چگونه می خواهند توجیه کنند؟ بعد بگویند: نماز اصلش همان ذکر است یا ذکرش است و... یکی از جهات حمل بر خلاف ظاهر واقعا جهل است. گاهی انگیزه های ستودنی است. و در واقع حسن فاعلی دارد و لو قبح فعلی دارد. اولین سنج تفسیر به رای، حمل آیات و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حمل بر خلاف ظاهر است؛ حالا چرا حمل برخلاف ظاهر صورت می گیرد، به هر حال این ها دلائل گوناگونی دارد تا انسان ننشیند و آن را تجزیه نکند خودش هم مبتلاست. الزاما هر مفسر به رای خودش توجه به کارش ندارد.

بحث دیگر که از عوامل تفسیر به رای است این که ما قرآن را فارغ از اهل بیت تفسیر کنیم این حدیث متواتر اسلامی و نه شیعی که همه بر آن اتفاق دارند که رسول خدا فرمودند: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی...

گرچه الان آن را تحریف کردند به کتاب الله و سنتی... متأسفانه. فقط سند این حدیث و متن این حدیث در کتب گذشتگان یا بحثهای دلالی این حدیث و بیشتر بحثهای سندی... تا آخر این حدیث که می فرماید لن یفترقا حتی یردا علی الحوض... این را می

خواهد بگوید که قرآن در واقع مفسر می خواهد. اگر از مفسر اصلی اش فاصله گرفت، شک نکنیم که به تفسیر به رای می افتمیم.... نکته مهم این است که ما تا چه حد باید از اهلیت استفاده کنیم.... میدانید دو صورت خیلی راحت بود صورتی که میگفتند: نیاز به اهل بیت نیست و خودتان قرآن را تفسیر کنید.... و صورتی که مثل برخی از اخباری ها می گویند هیچ از خود قرآن استفاده نکنید مگر آن چه را که اهلیت گفتند... و هر جا که بیان اهلیت قطع شد ما هم می ایستیم. حالا تصور کنید که ما این دو جهت را علی طرفی الافراط و التفریط می دانیم... ضمن این که ما سفارش شدیم که از ثقل اصغر بگیریم برای تفسیر ثقل اکبر... اما نهی هم نشدیم از این که خودمان حرف بزنیم و نظر دهیم و ... که اندیشه صحیح این است... به هر حال فارغ از اهلیت یعنی هر چه با ما با ما ... تفریط است یا توقف کن حتی در روشن ترین آیات و برو سراغ اهلیت مگر هر چه اهلیت بیانی دارند این هم افراط است.... به هر حال اگر ما بر این اعتقاد باشیم که فارغ از اهلیت به سراغ قرآن برویم این جریان منشا افتادن در تفسیر به رای خواهد بود حال سوال این است که تا چه میزان باید سراغ اهلیت رفت و تا چه میزان خود نظر دهیم بحث مستقلی را میطلبد. این ها بحثهای بسته ای نیست ممکن است بنده به چهار عامل اشاره کنم اما درعین حال کسی هم به عوامل بسیار دیگری اشاره کند. الحمد لله رب العالمین.